



سید رضا رضوی اهر



قبل از پیدا شدن سر و کله کرونا هم زنان سرپرست خانوار با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کردند اما حالا و با بروز بحران کرونا و چالش‌های اقتصادی ناشی از آن و آثار منفی این بیماری روی اقتصاد و مشاغل گوناگون، زنان سرپرست خانوار یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌هایی هستند که برای تأمین معاش و گذران زندگی‌شان دچار چالش شده‌اند

کرونا علیه زندگی زنان سرپرست خانوار

با توجه به شرایط کرونا، تورم و موضوعات دیگر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به کندی پیش می‌رود و به سختی انجام می‌شود

یک آبار تمان اجاره‌ای ۴۰،۳۰ متری و سه بچه قد و نیم‌قد در کنار هزینه‌های دارو و درمان شوهری از پیاftاده و مریض؛ چند سالی می‌شود هم مادر است و هم پدر و هم نان‌آور و ستون خانه و خانواده‌ها اما با پیدا شدن سر و کله ویروس تاجدار همه زندگی‌اش به‌هم ریخته و رنج و سختی‌اش چندین برابر شده است. او که نه سواد درست و حسابی دارد و نه مهارتی که بتواند در این روزهای سخت برای جور کردن

دخل و خرجش روی آن حساب کند و گذران زندگی‌اش با کار در آشپزخانه رستوران و تالار می‌گذشت حالا با تعطیلی رستوران‌ها و تالارها به امید همسار کرونا، روزگار باز هم برایش چنگ و دندان می‌گذرد و زندگی سختی‌های بیشتری را بر شانه‌های ناگزیش آوار می‌کند. در فرای نگاهش غمی عمیق موج می‌زند؛ غم نان و غم فردای شوهر و فرزندانش و هیچ حمایتی او و زنتی همچون او را به ادامه زندگی و تحمل سختی‌ها

دلگرم نمی‌کند. گریه‌خانه، هزینه درس و مشق بچه‌ها که حالا با کرونا ناگزیرند یا «شاد» درس بخوانند و «شاد» اینترنت، گوشی تلغف هوشمند یا تبلت می‌خواهد و شوهری که هزینه‌های دوا و درمانش روز به روز گران‌تر می‌شود و دستاکی خالی که به هیچ جا بند نیست! این بررسی کوتاه و روایتی از زندگی این روزهای زنان سرپرست خانوار است؛ زنتی که کرونا باعث شد دایره زندگی‌هازم برای‌شان تنگ‌تر از قبل شود.

درصد کمی از زنان سرپرست خانوار دارای تحصیلات عالی و مشاغل سطح بالا هستند. اغلب این زنان که بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند سواد و مهارت خاصی ندارند و بیشترشان برای گذران زندگی و کسب درآمد در مشاغل خدماتی کار می‌کنند. بسیاری از کارگران تالارها و رستوران‌ها زنان سرپرست خانوار هستند. همچنین برخی از این زنان در بازارچه‌های خوداشتغالی هنرشان را به نمایش می‌گذارند و با فروش ترشی یا مربای خانگی یا دست‌بافته‌هایشان کفه دخل و خرج ترازی زندگی را تراز می‌کنند. تا پیش از این و قبل از پیدا شدن سر و کله کرونا هم زنان سرپرست خانوار با مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کردند اما حالا و با بروز بحران کرونا و چالش‌های اقتصادی ناشی از آن و آثار منفی این بیماری روی اقتصاد و مشاغل گوناگون، زنان سرپرست خانوار یکی از آسیب‌پذیرترین گروه‌هایی هستند که برای تأمین معاش و گذران زندگی‌شان دچار چالش شده‌اند. از همه بدتر اینکه این زنان هیچ حامی مشخصی ندارند و کمک‌های

نیم‌بند و جسته و گریخته‌نهادهای حمایتی همچون بهزیستی یا کمیته امداد از یک سو کفاف زندگی این زنان و خانواده‌هایشان را نمی‌دهد و از سوی دیگر این نهادها درصد ناچیزی از جمعیت ۴ میلیونی زنان سرپرست خانوار را پوشش می‌دهند و درصد قابل توجهی از این زنان بدون هیچ حمایتی به حال خود رها شده‌اند.

خانوارهای زن سرپرست فقیر ۷۲ درصد برابر خانوارهای مدرسرپرست

آمار زنان سرپرست خانوار به دلایل مختلفی همچون افزایش طلاق،

اعتیاد یا حوادثی که موجب مرگ و میر مردان می‌شود رو به افزایش است. مطابق آمارهای رسمی در سال ۷۵ زنان سرپرست خانوار حدود یک میلیون نفر بودند و در سال ۸۵ این میزان به یک میلیون و ۶۰۰ هزار نفر رسید و در سرشماری سال ۱۳۹۰ این رقم ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر شد و سال ۱۳۹۵ این رقم به بیش از ۳ میلیون رسید و در چند سال اخیر به دلیل اتفاقات مختلف این میزان به ۴ میلیون نفر رسیده است. طبق ماده ۱۶ قانون ساختار نظام جامع تأمین رفاه اجتماعی دستگاه‌ها باید به بانوان سرپرست خانوار مهارت یاد دهند و او را به خودکفایی برسانند. اصل‌های ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی وظایف را مشخص کرده است و دولت را موظف کرده حقوق زن را در تمامی جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و اموری را انجام دهد. اما رها شدن زنان سرپرست خانوار به حال خود موجب شده تا این زنان نتوانند به استقلال برسند و با فقر و نداری و مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم کنند.

به گفته مریم‌السادات میرمالک ثانی مدیر کل دفتر امور حمایتی و توانمندسازی وزارت تعاون، کار و رفاه در سال ۹۷ در مناطق شهری ۴۳۲ درصد خانوارهای زن سرپرست جزو خانوارهای فقیر قرار گرفته‌اند که این میزان ۷۲ درصد برابر خانوارهای مدرسرپرست در این طبقه بوده‌اند؛ همین بررسی‌ها نشان می‌دهد نه تنها تعداد خانوارهای زن سرپرست نسبت به مدرسرپرست در معرض فقر بیشتری قرار دارند بلکه بین خانوارهای زن سرپرست شهری و روستایی نیز شگاف عمیقی دیده می‌شود.

بای دردل زنان سرپرست خانوار

خیابان دماوند از میدان امام حسین تا چهارراه تهرانپارس صغی طولانی از تالارهای پذیرایی را در دل خود جای داده است؛ تالارهایی که در این روزهای سال و در ایام ماه‌های ربیع‌الاول و ربیع‌الثانی از ماه‌های قبل رزرو شده بودند و سال گذشته در چنین روزهایی جلوی در آنها ماشین‌های گل‌زده عروس پارک شده و داخل تالارها پر از جمعیت مهمانانی بود که برای برپایی جشن عروسی دور هم جمع شده بودند و کارگرانی که پذیرایی از مهمان‌ها و تدارک غذای عروسی را به عهده داشتند و بسیاری از آنها زنان سرپرست خانوار بودند.

حالا اما برای کنترل اپیدمی کرونا این تالارها تعطیل شده‌اند و نه از ماشین عروس جلوی در آنها خبری هست و نه از مهمان‌ها و نه آشپزخانه‌ای کار می‌کند و نه کارگری! مریم که چند سالی می‌شود از شوهرش طلاق گرفته، پیش از این در یکی از همین تالارها کار می‌کرد. او سرپرستی تنها فرزندش را بر عهده دارد و حالا چند ماهی می‌شود بیکار است. وقتی از او درباره چگونگی گذران زندگی‌اش می‌پرسم پاسخ می‌دهد: «در این مدت پدر و مادرم تاجایی که در توانشان بود کمک می‌کنند اما خودشان هم چندین وضعیت مناسبی ندارند که بخواهند به من کمک کنند.» وقتی درباره دریافت مقرری بیمه بیکاری از او می‌پرسم پاسخ می‌دهد: «ما هیچ‌کدام بیمه نبودیم و به صورت روزمزد کار می‌کردیم. به همین خاطر هم حالا از بیمه بیکاری و حمایت‌های این چنینی خبری نیست.»

سمیه هم زنی ۵۳ ساله است که در یک باشگاه ورزشی کار می‌کرده اما حالا چند ماهی می‌شود باشگاه تعطیل و بیکار است. وی همسرش را در یک حادثه از دست داده و دو دختر دانشجوی دارد.

سمیه هم بیمه ندارد و به‌قود خودش فعلاً از اندوختگی که برای روز مبادا کنار گذاشته بود استفاده می‌کند. با غمی که در چهره‌اش موج می‌زند به چشمان خیره می‌شود و می‌گوید: «فعلاً که مباداتر از امروز ندارم.» آن‌طور که این خانم می‌گوید مربیان باشگاه‌ها هنوز هم به صورت جسته و گریخته شاگرد دارند و کلاس‌هایشان را به صورت آنلاین برگزار می‌کنند اما کارگران و کارمندان باشگاه‌ها عملاً بیکار شده‌اند و هیچ درآمدی ندارند. خانم محمدی هم از زنان سرپرست خانواری است که با درست کردن ترشی و مربا و همچنین درست کردن سبزی پاک‌کرده و سرخ‌کرده و پیش از این هر هفته در بازارچه خوداشتغالی شهرداری منطقه ۱۳ شرکت می‌کرد و محصولاتش را در معرض فروش می‌گذاشت. حالا اما به خاطر شرایط کرونا بخشی از مشتریانش را از دست داده است. شوهرش اعتیاد دارد و اگر چه هست اما در عمل سرپرستی خانواده با خود اوست. وقتی از او درباره وضعیت کسب و کارش در شرایط بیکاری‌های کرونایی می‌پرسم می‌گوید: «چون کار من تهیه مایحتاج خوراک و پخت و پز است هنوز هم بخشی از مشتریان خودم را دارم اما بخشی از مردم هم به خاطر شرایط کرونا، می‌ترسند و از من خرید نمی‌کنند.»

نظر کارشناس

افزایش هزینه‌ها و تورم مانع توانمندسازی زنان سرپرست خانوار است

در حال حاضر ۲۵ هزار خانوار زن سرپرست شامل چهار گروه زنان دارای همسر متوفی، زنان مطلقه، زنان دارای همسر از کار افتاده و دختران مجرد و زنان خودسرپرستی هستند که اغلب یا همسران‌شان مفقود شده یا در زندان به سر می‌برند. این ۲۵ هزار زن با بعد خانوارشان شامل ۵۸۲ هزار نفر می‌شوند. متأسفانه با توجه به شرایط کرونا، تورم و موضوعات دیگر توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به کندی پیش می‌رود و به سختی انجام می‌شود. در سال‌های گذشته ما می‌توانستیم با کمک‌هایی که برای اشتغال به این زنان می‌کنیم و ایجاد فرآیندهای توانمندسازی، آنها را از چرخه حمایت خارج کنیم، اما در سال جاری متأسفانه به دلیل مشکلاتی که وجود دارد، اگرچه زنان به همان شاخص‌های توانمندسازی دست پیدا کرده‌اند اما باز هم نمی‌توانیم، بگوییم آنها توانمند شده‌اند و بنابراین نمی‌توانیم آنها را از چرخه تحت پوشش مان خارج کنیم چراکه تورم بسیار بسیار جلوتر از ما حرکت می‌کند. البته هنوز به‌طور کامل پرونده‌ها مورد پایش و بررسی قرار نگرفته و نمی‌توانیم آماری از زنتی که در سال جاری توانمند شده‌اند، ارائه دهیم اما با توجه به شرایط و صحبت‌هایی که با کلیتیک‌های مددکاری در استان‌ها داریم همه بر این عقیده هستند که اگرچه شاخص‌هایی که ما برای توانمندسازی زنان در نظر داریم در برخی از افراد ایجاد شده اما با توجه به افزایش هزینه‌ها و تورم نمی‌توانیم این زنان را توانمند کرده‌ایم. بنابراین با توجه به شرایط ایجاد شده در کشور معتمد باید در دستورالعمل‌هایمان مقداری تغییر در شاخص‌ها ایجاد کنیم، چراکه اگر این شرایط اقتصادی ادامه داشته باشد، این شاخص‌ها دیگر به معنی توانمندسازی نیست و باید تغییر کند. در سال‌های گذشته قدرت توانمندسازی ما بیشتر بود و تعدادی از چرخه خارج می‌شدند اما امسال چنین شرایطی ایجاد نشده است. همچنین بودجه‌ای هم برای پذیرش مددجوی جدید در این بخش به ما تخصیص داده نشده است. برای همین نتوانستیم زنتی که از سال گذشته پشت نوبت بوده‌اند را پذیرش کنیم.

فاطمه عباسی

مدیر کل دفتر توانمندسازی خانواده و زنان سازمان بهزیستی

۲۹ درصد خانوارهای کشور و ۳۳ درصد خانوارهای تهران زن سرپرست هستند

در کشور از بین ۸ میلیون و ۳۱۰ هزار خانوار حدود ۲ میلیون و ۳۷۹ هزار و ۸۵۱ خانوار زنان سرپرست هستند که ۲۹ درصد کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند. آمار زنان سرپرست نسبت به جمعیت استان تهران ۳۳ درصد است. سرپرستی ۱۹۱ هزار و ۱۴۹ خانواده تهرانی با زنان است که اکثر آنان در سه دهک پایین درآمدی قرار دارند. بر اساس قانون برنامه ۱۰ درصد ارزش افزوده باید برای اشتغال اختصاص یابد و از این‌رو این موضوع مورد پیگیری قرار می‌گیرد. از بین ۶ هزار سهمیه اشتغال زنان سرپرست در کشور یک‌هزار و ۶۶۰ سهمیه اشتغال به این استان اختصاص یافته است. باید زنان سرپرست خانوار را توانمند کرد چراکه در تقویت بنیان‌های خانواده کمک به معیشت و اقتصاد زنان سرپرست باعث کاهش آسیب‌های اجتماعی و سایر مشکلات می‌شود. با نگاه جامع در امور زنان و خانواده، شاهد تحقق سند ارتقای زنان خواهیم بود.

در سال ۱۳۹۷، ۴۸ میلیارد تومان برای مشاغل خانگی استان تهران اعتبار اختصاص یافت. سال ۱۳۹۸ این رقم به ۷ میلیارد تومان رسید که نگاهی بسیار غیرعادلانه است و باید برای اشتغال زنان سرپرست خانوار در ابعاد مختلف سیاست‌گذاری کرد.

انوشیروان محسنی‌بندی

رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی

فقدان متولی و بودجه توانمندسازی ابر چالش زنان سرپرست خانوار است

مسئله زنان سرپرست خانوار از دو جهت اهمیت دارد؛ اول اینکه آمار زنان سرپرست خانوارهای ایرانی در حال افزایش است و باید نسبت به این، اقداماتی اتفاق بیفتد. بحث دیگر هم کم‌بودن بودجه بود این خانوارها نسبت به بدسرپرست‌هاست. چندین چالش در عرصه زنان سرپرست خانوار وجود دارد که یکی تعریف توانمندسازی و متولی ثابت و نداشتن ردیف بودجه مشخص و پنجره حمایتی خاص است. اگر این توانمندسازی رخ ندهد، عملاً ما نمی‌توانیم سیاست‌های کلی خانواده را رقم بزنیم. توانمندسازی باید شقوق مختلف هویتی زن را شامل شود. اگر با یک درگاه واحد شروع کنیم، مددکار و مشاور محور باشیم و بتوانیم بر اساس اقتضات زنان برنامه‌ریزی کنیم تا آنها احساس کرامت و عزت نفس کنند، به نتیجه خوبی می‌رسیم. در شقوق دیگر هم می‌بایست زیست‌بوم‌های فرهنگی، اجتماعی و اقلیمی مورد توجه قرار بگیرد. مهم‌ترین بحث ما در عرصه زنان سرپرست خانوار این است که یک درگاه واحد در این عرصه تعریف نمی‌شود و مسائل زنان سرپرست خانوار در کنار هم قرار نمی‌گیرد. نکته دیگر این است که در واقع بحث اشتغال زنان جزیره‌ای دنبال می‌شود. در کنار اینها شرایط زندگی زنان سرپرست خانوار باید مورد توجه قرار گیرد، حتماً یکی از مسائل جدی این زنان مسائل اقتصادی است اما گاهی چالش‌های عاطفی آنها یا اطرافیان و فرزندان چنان آنها را آذین می‌کند که هر قدر ما بخواهیم در عرصه‌های دیگر مفید باشیم، شاید نتیجه‌بخش نباشد. مسئله دیگر در این زمینه این است که در خیلی جاها زنان سرپرست خانوار به کارگران ارزان قیمت تبدیل می‌شوند و می‌بینیم که زنان به عنوان کارگر صرف کارها را انجام می‌دهند بدون اینکه مزایای مکنفی را هم داشته باشند، در حالی که این نازل‌ترین کاری است که آنها می‌توانند انجام دهند. قرار نیست نهایت کار ما برای این باشد که امور آنها بگذرد بلکه در لایه تأمین اجتماعی باید حمایت بیشتری شود.

فاطمه قاسمی‌پور

رئیس فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی

یادداشت



نیمی از زنان سرپرست خانوار تحت حمایت هیچ نهادی نیستند

محمد مهدی نیک‌ضمیر

زنان سرپرست خانوار بخشی از واقعیت جامعه ما هستند؛ واقعیتی که از حقایق تلخ دیگری همچون طلاق یا اعتیاد پرده برمی‌دارد.

بسیاری از زنان سرپرست خانوار به دلیل اعتیاد مردانشان ناگزیر شده‌اند بار زندگی را به دوش بکشند و فرزندان و خانواده‌شان را زیر پر و بال خود بگیرند تا کار خانواده حفظ شود و عمود خیمه خانواده فرونریزد. برخی از این زنان ناگزیر به جدایی از همسران خود شده‌اند و برخی دیگر با وجود بدسرپرستی همچنان به زندگی زیر یک سقف ادامه می‌دهند برخی دیگر حتی گاهی هزینه مواد مخدر همسرانشان را هم به عهده می‌گیرند تا مبادا ارکان خانواده‌شان از هم بپاشند و حتی حضور نمایین همسرشان در خانواده را می‌پذیرند. بی‌آنکه این مرد هیچ نقش مردانه‌ای در زندگی‌شان ایفا کنند. تقریباً ۱۲/۷ درصد کل خانوارهای کشور توسط زنان اداره می‌شود و مجموعاً بیش از ۶ میلیون نفر در کشور تحت تکلف زنان هستند، همان زنتی که بانوان سرپرست خانوار نامیده می‌شوند.

بر اساس آمارها بیش از ۶۰ درصد زنان سرپرست خانوار بالای ۵۰ سال سن دارند. در این میان بر اساس میانگین کشوری، ۱۱ درصد از زنان سرپرست خانوار را بانوان جوان (۱۸ تا ۳۵ سال) تشکیل می‌دهند. بدیهی است بحث‌های توانمندسازی درباره زنان بالای ۵۰ سال چندین موضوعیتی نمی‌یابد اما زنان سرپرست خانوار جوان ۱۸ تا ۳۵ ساله در کنار لزوم حمایت به توانمندسازی نیازمندند چراکه زنان سرپرست خانوار در این گروه سنی به شدت در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند و اگر نهادهای رسمی اجتماعی حمایت و توانمندسازی آنان را جدی نگیرند، چالش‌های گریبانگیز این گروه از زنان می‌تواند منتهج به چالش‌های اجتماعی گسترده‌ای در جامعه شود.

اما زنان سرپرست خانوار چه در گروه سنی جوان یا گروه‌های میانسال و سالنند به‌طور کلی در جامعه رها شده‌اند و هیچ نهاد و سازمانی از آنها حمایت نمی‌کند. نهادهای حمایتی همچون کمیته امداد و بهزیستی هم درصد کمی از این زنان را تحت پوشش و حمایت خود دارند و نتوانسته‌اند در بحث توانمندسازی آنان نقش آفرینی مناسبی داشته باشند.

بر اساس آمارها، سال ۹۸ نیمی از زنان سرپرست خانوار تحت پوشش یکی از نهادهای حمایتی و اجتماعی بوده یا به عبارتی از هر دو زن سرپرست خانوار یک نفر تحت حمایت بوده است. این در حالی است که نیمی از زنان سرپرست خانوار طی این ایام تحت هیچ گونه حمایتی نبوده‌اند.

مطابق بند ت ماده ۸۰ قانون برنامه ششم توسعه، معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری با همکاری وزارت کار و دیگر دستگاه‌های مسئول، موظف به توانمندسازی زنان سرپرست خانوار بوده و هر یک از دستگاه‌ها باید وظایف تعریف‌شده خود برای اجرای این ماده قانونی را انجام دهند. همچنین طبق اصل بیست و یکم قانون اساسی دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و بیمه خاص بیوگان و زنان

سالخورده و بی‌سرپرست را ایجاد کند. اصل بیست و نهم هم می‌گوید بر خورنداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حتی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمد‌های عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. گرچه این دو اصل قانون اساسی تکلیف و وظایف دولت را در قبال همه مردم و به‌ویژه زنان سرپرست خانوار روشن می‌کند اما افزایش زنان سرپرست خانوار از یک سو و عدم توانمندسازی و خروج آنان از چرخه نیازمندی از سوی دیگر نشان می‌دهد دولت علاوه بر این زمینه عملکرد مثبتی نداشته است.

علاوه بر این طبق ماده ۱۶ قانون ساختار نظام جامع تأمین رفاه اجتماعی دستگاه‌ها باید به بانوان سرپرست خانوار مهارت یاد دهند و او را به خودکفایی برسانند. معاونت زنان و خانواده رئیس‌جمهور هم به عنوان اصلی‌ترین متولی حوزه حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به سرپرست خانوار هیچ خروجی ملموسی در حوزه حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار نداشته است. شاید این نهادهای مسئول در حوزه حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار به درستی به وظایف خود عمل می‌کردند و شاید اگر معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به جای تمرکز بر طرح‌های حاشیه‌ای و پر‌هزینه و وظایف اصلی خود عمل می‌کرد امروز با این رهاشدگی در حوزه زنان سرپرست خانوار مواجه نبودیم.